فهرست

[مقدمه 2](#_Toc119479659)

[نکته اول 2](#_Toc119479660)

[نکته دوم 3](#_Toc119479661)

[مطلب اول 5](#_Toc119479662)

[طایفه اول 6](#_Toc119479663)

[طایفه دوم 6](#_Toc119479664)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ادخال سرور

# مقدمه

پنجمین بحث در روابط عام اجتماعی بحث ایذا و خوشحال‌سازی بود و ادخال سرور که یکی از عناوینی بود که در روایات عامه و خاصه واردشده بود و ادله را برشمردیم و قرار است وارد فروع و مطالبی بشویم که در ذیل ادله طرح می‌شود و سؤالاتی که باید پاسخ داد قبل از آن یکی دو استدراک داشته باشیم بعد وارد فروع شویم.

# نکته اول

در بحث ایذا و ادخال سرور تمرکز روی بعد روحی و روان‌شناسی و حالت نفسانی که در طرف مقابل ایجاد می‌شود و تصویر ما این بود که یکی از انواع علاقه‌ها و روابطی که ما با دیگران برقرار می‌کنیم و در آن‌ها تأثیر می‌گذاریم تأثیر در خوزه روحی و احوالی دیگران است ویکی از کیفیات نفسانیه در انسان ناخشنودی و خشنودی است ناراحتی و خوشحالی است که در انسان پیدا می‌شود برخلاف بحث اضرار یا بسیاری از مفاهیم ایجابی یا سلبی که در ارتباط با دیگران متصور است و نقطه تمرکز آن نفس نیست و به امور دیگر از متعلقات اشخاص برمی‌گردد ضرر زدن تمرکز روی دارایی و تمکنی که دیگری دارد مورد اصابت قرار می‌گیرد گرچه می‌تواند احوال نفسانی را هم شامل شود ولی نقطه محوری این است که مال را می‌رباید یا ضرری به مال و جان و سلامت او وارد می‌شود بحث ایذا و ادخال سرور دوگانه‌ای بود ک متوجه حال روحی و روانی و روان‌شناختی دیگری بود ک در آن ناخشنودی ایجاد کند یا در طرف دیگر خوشحالی و سرور ایجاد کند البته در بسیاری از موارد این ناخشنودی و ناراحتی و خوشحالی و مسرت با خیلی از تمتعات مادی گره‌خورده است ولی تمرکز بر چیزی است که گاهی از آن جدا می‌شود. با همه مداقه‌هایی که انجام شد بهترین دوگانه ‌این‌جور تشخیص داده شد ایذا و ادخال سرور.

ایذا اضرار نیست بلکه ایجاد تکره و ناراحتی است و مقابل آن ادخال سرور است ایجاد خوشحالی و وصف خوشحالی در درون دیگری است که متمرکز بر کیف نفسانی خوشحالی و ناراحتی بود این تنظیمی بود که انجام شد و در روایات هم با همین عنوان یا عناوین دیگر داشتیم که همین مطلب را افاده می‌کرد و ادله خاص یا عام در هردو طرف دوگانه ملاحظه فرمودید با این نگاه کتاب جامع السعادات را اگر ملاحظه کنید در مقام رابع که جلد 2 صفحه 225 عمدتاً به همین مباحث روابط اجتماعی و عناوین اخلاقی مربوط است در این بخش دارد و منها اخافة المؤمن و ادخال الکرب فی قلبه و هما شعبتان من الایذاء و الاضرار در عناوینی که سلسله‌وار رذایل اخلاقی را مطرح می‌کند ترساندن دیگران و ایجاد هم‌وغم در قلب دیگری است اینجا دو عنوان را در طرف سلبی آورده است یکی اخافة المؤمن و ادخال کرب ترساندن و ایجاد غم و اندوه در قلب دیگری و بعد گفته است هما شعبتان من الایذا و الاضرار در این کتاب و کتاب‌های دیگر مثل محجة البیضا در خیلی از جاها ایذا و اضرار را نزدیک به هم به کار می‌برد درحالی‌که ایذا و اضرار تفاوت دقیقی داشت.

در اینجا اخافة المؤمن و ادخال الکرب فی قلبه داریم اگر مقصود از کرب ضرر نباشد و هم‌وغم باشد در این صورت درست این بود که ادخال کرب محور باشد و اگر کرب را به معنای هم‌وغم بگیریم و ادخال کرب هم یعنی تولید ناراحتی و ناخشنودی و تنگنای روحی در دیگری چه با اضرار چه با غیر آن این عنوان دیگری است و اخافه المؤمن یکی از چیزهایی است که به‌عنوان ایذا یا ادخال کرب با این معنا میدانیم مناسب این بود که محور در اینجا همان ادخال کرب یا ایذا قرار بگیرد و اخافه مؤمن یکی از مصداق‌های آن قرار بگیرد. اخافه مؤمن یکی از مصادیق بارز ایجاد ایذا و تولید غم و اندوه و امثال آن در دیگری است بعد بافاصله در همان صفحه 225 می‌فرماید که به سمت وصف ایجابی مقابل اخافه می‌رود می‌گوید ادخال سرور فی قلب مؤمن و عبارتش این است و ضد ذلک یعنی ضد آن اخافه مؤمن و ادخال کرب که گفتیم اخافه مؤمن یک محور در جهت رذیله است و در طرف مقابل ازالة الخوف عنه و تفریج کربه و ادخال السرور فی قلبه. یک طرف اخافه مؤمن و ادخال کرب در قلب اوست و طرف ایجابی و فضیلت هم ازاله الخوف و تفریج الکرب و ادخال سرور است در هر دو از مصادیق خاص شروع‌شده است و درنهایت به نقطه اصلی رسیده است و ما نقطه اصلی را در این بحث‌ها همان تولید حالت ناراحتی و تنگنای روحی در یک طرف یا تولید شادمانی و مسرت قراردادیم این هم به نحوی همین را مطرح کرده است ولی از خاص به عام حرکت کرده است.

اخافه المؤمن مقابل آن ازاله الخوف است و ادخال الکرب در مقابل تفریج الکرب است منتها مصداق‌های محدود است و اصل آن ایذا و ادخال سرور است ازاین‌جهت به یک معنا می‌توان گفت همان دوگانه‌ای که ما تنظیم کردیم با تمرکز بر کیف نفسانی ناراحتی و آسایش و خوشحالی در اینجا آمده است منتها اگر می‌خواست تنظیم دقیق شود باید این‌طور می‌گفت ایذا و ادخال السرور ولی ایشان از مصادیق شروع کرده است و به‌تدریج تعمیم داده است و به محور قضیه رسیده است و در ذیل ادخال سرور روایات را طرح کرده‌اند. گاهی در جامع السعادات نکات دقیقی مطرح می‌شود که در اینجا جیزی ندارد. در محجه البیضا در ابواب عشره آمده است و در همین حد دقت هم در آن شاید نباشد و ادخال سرور به ‌عنوانه در روایات خاصه بیشتر آمده است و در روایات عامه شاید به این حجم نباشد تصور من این است. این‌یک استدراک بود که ملاحظه فرمودید.

# نکته دوم

استدراک بعدی در مباحث ادخال سرور این بود که افزون بر ادله و عامه و خاصه‌ای که برای حسن ادخال سرور و استحباب اکید ادخال سرور در قلب دیگران موردبررسی قرار گرفت در قواعد عامه حکم عقل را هم می‌شود در ادله آورد اصولاً عقل حکم به حسن این‌جور اقدامات دارد و حکم عقل مستقل هم هست و قاعده ملازمه هم به آن ضمیمه می‌شود و به‌عنوان دلیل مستقل می‌شود به شمار آورد که این حکم عقل در خیلی از موارد وجود دارد و در اینجا هم وجود دارد افزون بر این عناوین و ادله و قواعد سابق و حکم عقل به‌قاعده اکرام هم که از قواعدی بود که در فصل سابق بحث کردیم می‌توان استدلال کرد اکرام دیگران یکی از مصادیقش این است که دیگران را خوشحال کنیم مسرور کنیم این نوعی اکرام است و احترام گذاشتن است خوشحال سازی دیگران و اکرام هم از قواعد عامه‌ای بود که در فصل سابق محل بحث قرار گرفت و نسبت بین اکرام و ادخال سرور هم دو صورت دارد:

1- احتمال اول این است که نسبت آن‌ها مطلق باشد یعنی اکرام مفهوم عامی است که یکی از مصادیق آن ادخال سرور است

2- احتمال دوم این است که با مداقه ای ممکن است گفته شود نسبت بین اکرام و ادخال سرور من وجه است چون ممکن است یک نوع ادخال سروری انجام شود که در آن برداشت اکرام نداشته باشد با شیوه‌های لودگی کسی را خوشحال می‌کند درحالی‌که کسی نمی‌گوید دارد احترام می‌گذارد و اکرام می‌کند احتمال دوم شاید اولی و اظهر باشد اگر این‌طور باشد استدلال به امر من وجه است و ضعیف‌تر می‌شود.

سؤال: ادخال سرور اصلاً لازم نیست...

جواب: ممکن است درجایی صدق اکرام نکند ازاین‌جهت به‌قاعده اکرام می‌شود تمسک کرد ولی در حد من وجه. اصولاً وقتی من وجه شد معلوم می‌شود تمرکز روی نقطه محوری در استدلال نیست ازاین‌جهت استدلال اهمیتی ندارد.

سؤال: می‌شود بگوییم مطلق باشد ولی ادخال سرور اعم باشد چون هر اکرامی که صورت بگیرد ادخال سرور هم هست ولی در خیلی از اوقات ادخال سرور هست ولی اکرام نیست.

جواب: ظاهراً من وجه است چون اکرامی داریم که ادخال سرور نیست و ادخال سروری داریم که در آن اکرام نیست طرفین قابل افتراق است.

مثل اعانه است در قاعده حسن خلق هم همین‌طور است ممکن است ابتدا به ذهن بیاید که حسن خلق عنوان عامی است که ادخال سرور یکی از مصادیق آن است ولی اگر دقت شود در آنجا هم من وجه است حسن خلق‌هایی داریم که با ادخال سرور قابل اجتماع است اما افتراق هم دارد حسن خلق‌هایی ممکن است وجود داشته باشد که ادخال سرور نیست ولی عرف و تلقی این است که او اخلاق خوبی نشان داد. همچنین ادخال سروری انجام شود که در آن حسن خلق نیست و به شکلی که عرفا حسن خلق نیست کاری می‌کند که شخص خوشحال می‌شود ازاین‌جهت است که در مفاهیمی از قبیل اکرام و حسن خلق و بر و نیکی و اعانه و حتی احسان وقتی با ادخال سرور و خوشحال سازی مقایسه شود با دقت می‌بینیم بین این‌ها من وجه است و لذا نمی‌تواند به‌عنوان دلیل به شمار بیاید در ادله‌ای که نفع واردشده است ممکن است مقداری تصور عموم و خصوص مطلق قوی‌تر باشد و هر ادخال سروری در آن تولید نفع در دیگری است منتها در اینجا هم وقتی دقت شود می‌بینیم من وجه اولی و اقرب است برای این که سود رساندن به دیگران با ادخال سرور گاهی اجتماع دارند و گاهی هم افتراق دارند ادخال سروری انجام می‌دهد درحالی‌که واقعاً نفع نمی‌برد با این شرایط به این شکل برای او نفعی ندارد.

سؤال: در جای اصلاً مصداق نفع نیست مثل‌اینکه گفته است لبخند بزن درحالی‌که نفعی ندارد.

جواب: بله درست است هیچ سودی نمی‌برد نه روحی و روان‌شناختی و گاهی ممکن است زیانی بر عهده داشته است و لذا علی‌رغم اینکه اجتماع آن‌ها بیشتر از عناوین دیگر است بااین‌حال ماده افتراق هم وجود دارد گاهی نفعی می‌رساند بدون این که او خوشحال شود درحالی‌که واقعاً منتفع شده است و گاهی هم او را خوشحال می‌کند ولی این اقدام برای او در این وضعیت هیچ نفعی ندارد.

بنابراین از میان ادله عامه قاعده طلایی اخلاق که می‌فرمود أحبب لغیرک ما تحب لنفسک و أکره له ما تکره لنفسک این قاعده عامه‌ای است که بر بحث منطبق می‌شود و می‌شود به آن استدلال کرد و همان‌طور حکم عقل و روایاتی که عنوان ادخال سرور یا عناوینی از این قبیل در آن هست ادله اصلی و محکم است و مابقی عمدتاً من وجه است گرچه موارد انطباق و اجتماع این چند عنوان با ادخال سرور خیلی قابل توجه است ولی درعین‌حال در یک مورد هم افتراق پیدا کند جهت بحث متفاوت می‌شود و نمی‌شود گفت می‌توان به آن‌ها استدلال کرد. نتیجه رابطه عموم خصوص من وجه بین این پنج شش عنوان با ادخال سرور این است که درجایی که اجتماع این عناوین است اجتماع چند حکم است اختلافی در آن نیست یعنی چند استحباب وجود دارد یعنی درجایی که کاری می‌کند که او خوشحال می‌شود نفعی هم می‌رساند بری هم انجام می‌شود اکرام هم انجام می‌شود و حسن خلق هم صادق است پنج شش عنوان استحبابی را مشمول است و در آنجا منطبق است و موجب تعدد احکام می‌شود دو چون در ماده قاعده جمع شده است تعدد به تأکد می‌انجامد.

سؤال: عموم و خصوص مطلق باشد تأکد است؟

جواب: ما می‌گفتیم در عموم خصوص مطلق هم همین است وقتی مثبتین باشند تأکد و تعدد است درحالی‌که آقای زنجانی در نسبت بین ریبه و التذاذ این‌جور نمی‌فرمودند. ما می‌گفتیم در عموم خصوص مطلق هم تعدد است و تأکد است ارزش هم دارد. ازاین‌جهت در عموم و خصوص من وجه است تأکد و تعدد علی جمیع مشارب جاافتاده تراست گرچه اگر مقید هم باشد در مثبتین ما همین را میگوییم.

این دو استدراکی بود که نسبت به بحث‌های قبل و استدلالات و ادله برای استحباب اکید ادخال سرور واردشده بود لازم بود عرض کنیم. بعد از بیان ادله عامه و خاصه و حدود دلالت آن‌ها به جهاتی از بحث در ذیل ادله و فروعات در ذیل بحث می‌پردازیم.

# مطلب اول

استحباب ادخال سرور به دیگران دایره متعلق آن چیست؟ آیا همه انسان‌ها یا همه مسلمانان یا اختصاص به مؤمن به معنای شیعه دارد یا حتی ممکن است به قیود دیگری مقید شود؟ دیگران به چه معناست همه را شامل را می‌شود همه انسان‌ها الا ما خرج یا همه مسلمانان الا ماخرج یا اختصاص به مؤمنان و شیعیان دارد. این سؤالی است که در همه محورهای روابط اجتماعی مطرح می‌شود و مستحضر هستید که پاسخ به این سؤال در این موارد عدیده‌ای که ما در مورد پنجم آن هستیم و ده‌ها موارد دیگر پیش رو داریم تعیین‌کننده روابط انسان مسلمان با مؤمنان و مسلمانان و انسان‌ها دیگر غیرمسلمان است. ارتباط اجتماعی مسلمان و جامعه اسلامی با غیرمؤمنان و غیرمسلمانان از درون همین سلسله مباحث استخراج می‌شود و لذا وقتی جمع شود مشخص می‌شود تقریب در بین مذاهب در خوزه اخلاق اجتماعی به چه معنا است تا کجا تقریب به معنا رعایت اخلاق اجتماعی در مناسبات مسلمانان غیر شیعه مصداق دارد و موردتوجه فقه و اخلاق ما است و ما در هر یک از این مباحثی که پشت سر گذاشتیم از اولین سؤال‌ها این است که توصیه به این که دوست داشته باش یا حسن ظن داشته باش حسن خلق داشته باش و در اینجا هم ادخال سرور انجام بده و دیگران را خوشحال کن اختصاص به شیعه دارد یا دایره وسیع‌تر است و مسلمانان را هم می‌گیرد یا بازهم وسیع‌تر است و انسان‌ها و غیر متدینان به اسلام را هم می‌گیرد و در بین غیر متدینان هم گاهی ممکن است اهل کتاب و غیر اهل کتاب تفاوت داشته باشد که باید برحسب مورد به آن توجه کرد.

در ادخال سرور هم همین سخن هست روایاتی که در اینجا داشتیم اگر روایات خاصه را ملاحظه بفرمایید ما باب 24 از ابواب فعل معروف ببینیم تمرکز آن روایات بیشتر روی مؤمن بود پس اگر به روایات مراجعه کنیم چند طایفه را می‌بینیم:

## طایفه اول

این طایفه روایات کثرت خوبی دارد و شاید بیشتر از طوایف بعد باشد روایاتی است که می‌گوید مَن سرَّ مؤمناً با تفسیری که در تعریف مؤمن گفتیم این طایفه مؤمن یا ولی دارد یا تعابیری از این قبیل و دو احتمالی که سابق می‌گفتیم در بابش هست یکی اینکه اختصاص به شیعیان داشته باشد یا فراتر از آن باشد قد مسلم این است ک بعضی از این‌ها کاملاً ظهور در شیعه اثنی عشری دارد و در این صورت بسیاری از روایات اختصاص به شیعه دارد گرچه برخی از روایاتی مؤمن واردشده است می‌شود تعمیم داد ولی حتماً بعضی از آن‌ها قرائن واضحی دارد که شیعه مقصود است.

## طایفه دوم

طایفه دوم روایاتی است که فراتر از شیعه عنوان مسلم یا نزدیک به عناوینی که اسلام را می‌رساند این مهم است که در دایره استحباب اکید ادخال سرور و خوشحال کردن شیعیان بحثی نیست و روایت داریم و قدر متیقن است ولی در طایفه دیگری که از این محدوده بالاتر می‌آید و مسلمانان را می‌گیرد می‌شود به روایاتی اشاره کرد همان باب 24 حدیث 5 :

وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «أَيُّمَا مُسْلِمٍ‏ لَقِيَ‏ مسلماً فَسَرَّهُ سَرَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ».[[1]](#footnote-1) اینجا بابیان ثواب یا نتیجه عمل استحباب را افاده می‌کند و عنوانی که وجود دارد این است که «لَقِيَ‏ مسلماً فَسَرَّهُ سَرَّهُ» مسلمانی را دید و او را خوشحال کرد مسلم ظهورش اطلاق دارد و شامل شیعه و غیر شیعه و همه‌کسانی که شهادتین را بگویند البته این روایت را قبلاً بحث کردیم که ازنظر سند به دلیل سهل مشکل دارد. روایت دیگر در همین باب 24 از ابواب فعل معروف در کتاب امربه‌معروف و نهی از منکر روایت 20 می‌فرماید

أَبُو الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ:«سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَيُ‏ الْأَعْمَالِ‏ أَحَبُ‏ إِلَى‏ اللَّهِ‏ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قَالَ: اتِّبَاعُ سُرُورِ الْمُسْلِمِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا اتِّبَاعُ سُرُورِ الْمُسْلِمِ؟ قَالَ: شِبَعُ جَوْعَتِهِ، وَ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ، وَ قَضَاءُ دَيْنِهِ»[[2]](#footnote-2) مصداق ها و روش‌های ادخال سرور را حضرت در پاسخ به سؤال دوم بیان کرده‌اند در این روایت هم باز اتِّبَاعُ سُرُورِ الْمُسْلِمِ دارد که ازلحاظ سندی بارها بحث کردیم که سندی بن محمد أَبُو الْبَخْتَرِيِّ این‌ها بحث‌هایی داشته است که متعرض شده‌ایم هم اصل قرب الاسناد موردبحث قرارگرفته است و اشکال دارد و نمی‌شود خیلی مطمئن شد.

سؤال: روایت نبوی است در روایت نبوی مسلم عادی است و دلالتی بر توسعه دایره نمی‌کند

جواب: بله این نکته هست که مسلمی که در لسان حضرت رسول وارد شود درزمانی است که هنوز مرزبندی نشده است و سؤال به وجود می‌آید که می‌تواند اطلاقی را افاده کند یا نه به این دلیل که ممکن است کسی بگوید این عنوان درزمانی است که منطبق بر مؤمن بوده است ولیم مکن است کسی قبول نکند مخصوصاً که همین عنوان در لسان امام باقر قرارگرفته است و نقل‌شده است.

سؤال: درست است که امام باقر می‌فرماید ولی مسلم درآیات قرآن را با فضای خودش نصیحت می‌کنیم و امام باقر هم روایت را با فضای نبوی نقل می‌کند و می‌گوید ببینید پیامبر چه سفارش‌هایی دارد.

جواب: اتفاقاً برعکس وقتی امام روایتی را نقل می‌کند واقعاً برای همان زمان نسخه می‌پیچید و همان مسلمی که در کلام پیامبر بوده است را نقل می‌کند با این معلوم می‌شود که همان معنایی که در زمان صادقین و باقرین مفهوم بود و متبادر به ذهن بود همان را افاده می‌کند.

سؤال: وقتی قران یک بیانی را می‌آوریم در زمان خودمان و استفاده می‌بریم در آن زمان مؤمن معنایی داشته بعد قرآن گفته **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[3]](#footnote-3) الآن هم وقتی به کار می‌بریم در منبر کاربرد دارد بااینکه در آن زمان مؤمن به معنا شیعه نیست ولی انطباق آن در زمان ما قابل‌فهم است.

جواب: این‌طرف را چگونه جواب می‌دهید که امام صادق وقتی این روایت را نقل می‌کند که متبادر در اذهان از مسلم همان مفهوم عام و مطلق است و امام آن را از پیامبر نقل می‌کند ضمن این که در کلام پیامبر هم احتمال می‌دهیم عنایت بوده است و چیز قطعی نداریم شاید پیامبر هم آینده را می‌بیند و با توجه به مرزبندی‌ها و مسلم را به‌عنوان مطلق می‌گوید امام هم که الآن که نقل می‌کند اصطلاح مطلق شکل‌گرفته است این‌ها باهم که جمع شود تردیدی باقی نمی‌گذارد.

سؤال: بعد که سؤال می‌پرسد ادخال سرور مؤمن چیست در ذیل روایت این قرینه نیست؟

جواب: بله این هم‌مقداری می‌تواند تأکید کند که او هم همین مسلم را به‌کاربرده است منتها فرمایش شما من را متنبه کرد که ممکن است بگوییم همین تلقی که او داشت مسلم مطلق است سؤال خود را مطرح کرده است.

می‌بینیم که این دو روایت هر دو خالی از ضعف سندی نبود. سومین روایت از مستدرک است که در این وسائل چاپ جامع مدرسین ابواب مرتبط با وسائل در ذیل آن نقل‌شده است . در مستدرک در ذیل باب 24 فعل معروف حدیث 8 می‌فرماید از امام صادق سندش هم مقطوعه است: وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِنَ‏ مِمَّا يُحِبُ‏ اللَّهُ‏ مِنَ‏ الْأَعْمَالِ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُسْلِم»‏[[4]](#footnote-4) این روایت هم مشکل سند دارد و سلسله سند مشخص نیست و مرسله است که مرحوم صدوق در کتاب مصادقة الاخوان این روایت را از امام صادق نقل می‌کنند که عنوان مسلم دارد. در حدیث نهم از کتاب مصادقه الاخوان مرحوم صدوق نقل‌شده از امام باقر: وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «مَا مِنْ‏ عَمَلٍ‏ يَعْمَلُهُ‏ الْمُسْلِمُ‏ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاباً مِنَ السُّرُورِ إِلَّا أَدْخَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ بَاباً مِنَ السُّرُور»[[5]](#footnote-5) در اینجا بازهم مسلم آمده است منتها این هم ازنظر سند خالی از ضعف نیست در همین مستدرک ذیل باب 24 حدیث 17 که از مصادقه الاخوان نقل‌شده است امام صادق فرمودند:

الصَّدُوقُ فِي كِتَابِ الْإِخْوَانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «مَنْ‏ فَرَّحَ‏ مسلماً خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ الْفَرَحِ صُورَةً حَسَنَةً تَقِيهِ آفَاتِ الدُّنْيَا وَ أَهْوَالَ الْآخِرَةِ تَكُونُ مَعَهُ فِي الْقَبْرِ وَ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ حَتَّى تُوقِفَهُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ فَوَ اللَّهِ لَوْ أَعْطَيْتُكَ الدُّنْيَا لَمَا كَانَتْ عِوَضاً لِمَا قُمْتَ لِي بِهِ فَيَقُولُ أَنَا الْفَرَحُ الَّذِي أَدْخَلْتَهُ عَلَى أَخِيكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا»[[6]](#footnote-6) این همان قصه تجسم ادخال سرور به صورت ملکی که همراه این شخص تا قیامت هست در اینجا هم مسلماً آورده شده است. این‌ها روایاتی است که در اینجا هست ضعف سندی داشت ولی در بحث واردشده بود.

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج16، ص350، أبواب أبواب فعل المعروف، باب24، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/16/350/مسلما) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج16، ص356، أبواب أبواب فعل المعروف، باب24، ح20، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/16/356/جوعته) [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حجرات، آیه 10. [↑](#footnote-ref-3)
4. [مستدرك الوسائل، المحدّث النوري، ج12، ص396.](http://lib.eshia.ir/11015/12/396/يحبّ) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مستدرك الوسائل، المحدّث النوري، ج12، ص396.](http://lib.eshia.ir/11015/12/396/يعمله) [↑](#footnote-ref-5)
6. [مستدرك الوسائل، المحدّث النوري، ج12، ص399.](http://lib.eshia.ir/11015/12/399/أعطيتك) [↑](#footnote-ref-6)